

آشنایی با اقتصاددانان معروف جهان ادموند فلپس: برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۶

بهروز حسنی مهمویی*

مینو فرهادی**



ادموند استراتر فلپس^۱ در جولای ۱۹۳۳ در ایلی‌نویز^۲ آمریکا متولد شد و پس از اتمام دوران ابتدایی، در سال ۱۹۵۱ به همراه خانواده‌اش به نیورک مهاجرت کرد. خاطرات نقل شده از وی از آن دوران بیانگر آن است که به دلیل همزمانی با دوران رکود اقتصادی، خانواده وی شغل خویش را از دست داده بودند و با حمایت مالی پدر بزرگ زندگی می‌کردند. همین امر باعث شده بود تا مباحث اقتصادی زیادی میان اعضای خانواده ادموند جوان جریان داشته باشد که این خود یکی از دلایل اصلی گرایش وی به علم اقتصاد بوده است.

اولین دانشگاه محل تحصیل فلپس کالج امهرست^۳ در ماساچوست بود. با وجود استعداد وی در زمینه موسیقی، علاقه‌اش به فلسفه و سایر توانمندی‌هایش به اصرار پدر تحصیل در رشته اقتصاد را در پیش گرفت. یکی از نقاط عطف زندگی علمی وی شرکت در سخنرانی پل ساموئلسون^۴ اقتصاددان معروف است که منجر به تداوم مطالعات اقتصادی فلپس در مقاطع بالاتر گردید. او همچنین در سال‌های بعد و پس از حضور در دانشگاه ییل^۵، ارتباط علمی ارزشمندی با جیمز

* bhas@student.monash.edu

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی - دانشگاه فردوسی مشهد

۱- Edmund Strother Phelps
۲- Illinois
۳- Amherst
۴- Paul Samuelson
۵- Yale University

توبین^۱ و توماس شلینگ^۲ (برندگان جایزه نوبل ۱۹۸۱ و ۲۰۰۵) برقرار کرد که زمینه تعمیق دیدگاه‌های اقتصادی وی به ویژه در حوزه شکل‌گیری نظریه نرخ طبیعی بیکاری را فراهم کرد. وی معتقد است که این دوران منجر شد تا تمامی تردیدهایش برای تحصیل و تحقیق در اقتصاد از بین برود.

رساله دکترای او با راهنمایی توبین در سال ۱۹۵۹ به پایان رسید. فلپس در همان سال‌ها تدریس در دانشگاه ییل را در کنار رابرت سولو^۳ آغاز نمود و زمینه اصلی کار خود را بر تئوری رشد نئوکلاسیک متمرکز کرد. از ویژگی‌های عمده زندگی علمی فلپس تاثیرپذیری وی از اقتصاددانان برجسته جهان است که ملاقات وی با فرانکو مودیگلیانی^۴ نیز بر فعالیت‌های پژوهشی وی اثرات زیادی بر جای گذاشت و منجر به بروز دورانی شد که ساموئلسون آن را دوران آبی فلپس خواند، سالهایی که در طی آن وی حوزه مطالعات خود را به سمت مدل‌ها و تئوری‌های جدید اقتصادی متمایل کرد.

فلپس در سال ۱۹۶۶ به دانشگاه پنسیلوانیا نقل مکان کرد و دوران جدیدی از زندگی علمی خود را آغاز نمود که منجر به شهرت علمی وی در سطح بین‌المللی به دلیل تحقیق بر روی قاعده طلایی انباشت سرمایه گردید. پنج سال بعد وی به دانشگاه کلمبیا رفت و در کنار اقتصاددانانی چون جان تیلور^۵ و رابرت مندل^۶ موفق به انجام تحقیقات ارزشمندی بر روی موضوعاتی چون مالیات تورمی و تاثیر سیاست‌های مالی بر تورم بهینه شد. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان "تبعیض آماری" را به رشته‌ی تحریر درآورد و کاربردهای جدیدی از انتظارات تطبیقی را معرفی نمود.

یکی از ویژگی‌های فلپس به عنوان یک اقتصاددان برجسته جهانی آن است که بسیاری از نظریات وی در دورانی ارائه شد که بستر مناسب برای درک ابعاد آن وجود نداشت. به عنوان مثال زمانی که نظریه رشد بلندمدت وی بر اساس آموزش و پیشرفت فنی ارائه شد حدود بیست سال طول کشید تا با طرح نظریه رشد درون‌زا، اهمیت دیدگاه‌های وی بر همگان اثبات شود. یا زمانی

۱- James Tobin

۲- Thomas Schelling

۳- Robert Solow

۴- Franco Modigliani

۵- John Taylor

۶- Robert Mundell

که وی نظریه‌های کارآیی دستمزد و هدفگذاری تورم را بیان کرد بیست سال از سایر اقتصاددانان پیشی گرفته بود. در اوایل دهه هفتاد بار دیگر تاثیرات همراهی و همفکری علمی با اقتصاددانان برجسته و روشنفکران فلسفه چون جان رالز در دیدگاه‌های وی بروز پیدا کرد و زمینه‌ساز تدوین مقالات و کتب متعددی در زمینه عدالت اقتصادی گردید. وی معتقد است که عدالت و توزیع از منظر اقتصاددانان دور مانده‌است و بنابر این تلاش نمود تا در مقالات خویش موضوعاتی مانند عدالت میان‌نسلی و تراکم بهینه سرمایه را مورد توجه قرار دهد.

از دیگر فعالیت‌های برجسته وی در حوزه نظریات اقتصادی می‌توان به مبحث نواقص اطلاعات و دانایی، نرخ طبیعی بیکاری و تمثیل جزیره اشاره کرد. در پایان همین دهه و در طی کنفرانسی که در پنسیلوانیا برگزار شد وی فرصت یافت تا با همکاری دیگر اقتصاددانان برجسته آن زمان، نتایج بسیار مهمی را در حوزه سیاست‌های کلان اقتصادی استخراج کند که منجر به چاپ "کتاب فلپس" گردید.

از حوزه‌های اساسی فعالیت فلپس می‌توان به تلاش‌های وی به منظور تبیین ابعاد نرخ بیکاری اشاره کرد. بر اساس این فرضیه، یک نرخ طبیعی یا واقعی وجود دارد که در آن انتظار افراد در مورد تغییر دستمزدها و قیمت‌ها برآورده می‌شود و هر گونه تلاش دولت برای پایین آوردن سطح بیکاری به زیر این نرخ از طریق سیاست‌های انبساطی پولی و مالی باعث می‌شود تا انتظار افزایش دستمزدها و قیمت‌ها ایجاد شود و این به نوبه خود تورم را افزایش می‌دهد. این فرآیند تنها در صورتی متوقف می‌شود که بیکاری در سطح بالاتری از تورم، به سطح نرخ طبیعی باز گردد. از نظر فلپس فرضیه نرخ طبیعی با مفهوم جست‌وجوی شغل به عنوان عامل مهم یا تنها عامل بیکاری مرتبط است. این مطالعات در نهایت منجر به انتشار کتاب "اصول اقتصاد کلان در مورد اشتغال و نظریه تورم کلان" در سال ۱۹۷۰ گردید که اصول آن در کتاب "رکود ساختاری" تکمیل گردید و مباحث آن با چاپ کتاب "کار پر ارزش" در زمینه بیکاری کارگران با بهره‌وری کمتر، سیستم‌های اقتصادی ثانوی و پیامدهای متقابل جهت رشد و رضایتمندی فردی گسترش پیدا کرد. فلپس معتقد است که پویایی اقتصادی یک کشور توسط نرخ رشد کوتاه مدت یا میان‌مدت آن کشور اندازه‌گیری نمی‌شود بلکه خلاقیت و نوآوری یک کشور در طرح ایده‌های جدید با

چشم‌انداز سودآوری، مهارت در شناسایی و تقویت ایده‌هایی که دارای دورنمای مطلوب هستند و ارزیابی و آزمایش محصولات و روش‌های جدیدی که به بازار آمده‌اند معیارهای صحیح سنجش رشد اقتصادی است. از دیدگاه فلیس پویایی اقتصادی مولود الگوی اقتصادی هر کشور است، به بیان دیگر این الگوی اقتصادی کشور است که پویایی اقتصادی آن را تعیین می‌کند و عملکرد



اقتصادی کشور را رقم می‌زند. از دیدگاه فلیس نرخ رشد اقتصادی به شدت با میزان تحصیلات و جمعیت کشور تناسب دارد و از همین رو کاهش نرخ بیکاری می‌تواند با تعادل سازگار همخوانی داشته باشد.

وی بیان می‌دارد که نسل امروز با سبقت گرفتن در مصرف سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی همزمان با افزایش سرمایه‌گذاری‌های انسانی یعنی آموزش و تحقیق

می‌تواند رفاه نسل آینده را افزایش دهد. فلیس تضادهای توزیعی امکان‌پذیر در میان نسل‌ها را آشکار ساخت و نشان داد که همه نسل‌ها ممکن است تحت شرایط معین از تغییر نرخ‌های صرفه‌جویی شده سود ببرند. فلیس از پیشگامان تحلیل اهمیت سرمایه انسانی در گسترش تکنولوژی جدید و رشد اقتصادی می‌باشد. او در سال ۱۹۷۱ به انجمن اقتصاددانان کلمبیا پیوست. در سال ۱۹۸۱ به عنوان عضو آکادمی ملی علوم پذیرفته شد و پس از آن در سال ۲۰۰۰ به عنوان عضو برجسته انجمن اقتصاددانان آمریکا انتخاب شد.

در دهه هشتاد وی ارتباط خود را با دانشگاه‌ها و موسسات اروپایی افزایش داد و با مراکز متعددی در ایتالیا، فرانسه و آلمان در حوزه موضوع بیکاری به همکاری علمی پرداخت. این فرآیند در سال‌های بعد نیز ادامه داشت به گونه‌ای که مطالعات وی در سال‌های ۱۹۹۰ منجر به نشر کتب و مقالاتی با محوریت انفجارهای ساختاری گردید و در نهایت ابعاد و زوایای جدیدی از رشد اقتصادی کشورهای غربی را آشکار ساخت.

وی سرانجام به دلیل انجام تحقیقات در خصوص سیاست‌های کوتاه و بلندمدت اقتصاد کلان و کمک به فهم روابط پیچیده میان دستمزدها، بیکاری و تورم که تأثیری عمیق بر خط مشی‌های

اقتصاد کلان گذاشت جایزه نوبل اقتصاد را در سال ۲۰۰۶ دریافت کرد. در مراسم اهدا جوایز نوبل و در گزارش آکادمی علوم سوئد آمده است: "ادموند فلیس اقتصاددانی است که در رابطه با مسائل مهمی هم چون تورم، بیکاری و پس انداز تحقیق کرده است. وی عقیده دارد که تمامی نسل‌ها از تغییرات نرخ کلی پس انداز بهره می‌برند". در این گزارش همچنین آمده بود: "پژوهش‌های فلیس که در اواخر دهه ۱۹۶۰ انجام شد، به درک ما از رابطه بین تاثیرات کوتاه‌مدت و درازمدت سیاست‌های اقتصادی عمق بخشیده است. او تشخیص داد که تورم نه تنها به بیکاری بلکه به انتظارات شرکت‌ها و کارکنان در مورد قیمت‌ها و افزایش عایدی نیز وابسته است. فلیس مدل جدیدی را برای توصیف رابطه بین تورم و بیکاری که منحنی انتظارات تشدید شده فلیس نام دارد ابداع کرد. تلاش‌های وی به صورت بنیادی دیدگاه‌های ما را در مورد چگونگی عمل اقتصاد کلان تغییر داد و نقش مهمی در درک علل افزایش توانان تورم و بیکاری در دهه ۱۹۷۰ ایفا کرد".

مقالات، کتب، افتخارات و سمت‌های اجرایی و علمی وی به قدری متنوع و متعدد است که در فرصت کوتاه این مطلب نمی‌گنجد. وی علاوه بر جایزه نوبل موفق به کسب جایزه جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۸، کسب کرسی افتخاری از دانشگاه پکن در سال ۲۰۰۷، دکترای افتخاری دانشگاه بوئنس آیرس، دانشگاه پاریس، دانشگاه ایسلند، دانشگاه لیسبون، دانشگاه منهیم، دانشگاه رم و بسیاری دانشگاه‌های دیگر شده است. همچنین حدود سی مصاحبه تخصصی و بیوگرافی از وی در مجلات معتبر علمی سطح جهان به چاپ رسیده است.

در ذیل تنها اشاره‌ی کوتاهی به اسامی برخی مقالات و کتب وی گردیده است که می‌تواند نمونه‌ای از آثار چاپ شده از وی باشد:

- (۱۹۶۱). **The Golden Rule of Capital Accumulation**. American Economic Review ۵۱: ۶۳۸-۶۴۳.
- (۱۹۶۶). **Golden Rules of Economic Growth: Studies of Efficient and Optimal Investment**. W. W. Norton, New York. ISBN ۰۳۹۳۰۹۷۰۸۰.
- (۱۹۶۶). **Models of Technical Progress and the Golden Rule of Research**. Review of Economic Studies ۳۳: ۱۳۳-۱۴۶. doi:۱۰.۲۳۰۷/۲۹۷۴۴۳۷.

- (۱۹۶۸). **Money-Wage Dynamics and Labor Market Equilibrium**. Journal of Political Economy ۷۶: ۶۷۸-۷۱۱. doi:۱۰.۱۰۸۶/۲۵۹۴۳۸.
- (۱۹۷۰). **Microeconomic Foundations of Employment and Inflation Theory**. W. W. Norton, New York. ISBN ۰۳۹۳۰۹۳۲۶۳.
- (۱۹۷۲). **Inflation Policy and Unemployment Theory**. W. W. Norton, New York. ISBN ۰۳۹۳۰۹۳۹۵۶.
- (۱۹۷۲). **The Statistical Theory of Racism and Sexism**. American Economic Review ۶۲: ۶۵۹-۶۶۱.
- (۱۹۷۷). **Stabilizing Powers of Monetary Policy under Rational Expectations**. Journal of Political Economy ۸۵: ۱۶۳-۱۹۰. doi:۱۰.۱۰۸۶/۲۶۰۵۵۰.
- (۱۹۸۳). **Individual Forecasting and Aggregate Outcomes: 'Rational Expectations' Examined**. Cambridge University Press. ISBN ۰۵۲۱۲۵۷۴۴۱.
- (۱۹۹۴). **Structural Slumps: The Modern Equilibrium Theory of Employment, Interest and Assets**. Harvard University Press. ISBN ۰۶۷۴۸۴۳۷۳۸.
- (۱۹۹۷). **Rewarding Work: How to Restore Participation and Self-Support to Free Enterprise**. Harvard University Press. ISBN ۹۷۸۰۶۷۴۰۲۶۹۴۰.
- (۲۰۰۳). **Designing Inclusion**. Cambridge University Press. ISBN ۰۵۲۱۸۱۶۹۵۵.

منابع: پایگاه جایزه نوبل و پایگاه اطلاع رسانی وی در سایت دانشگاه کلمبیا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی